



مصونیت دولت‌ها

قسمت پایانی

◀ عظیم سهرابی*

بخش چهارم - مالکیت، تملک و انتفاع از اموال

ماده ۱۳ قانون مصونیت قضایی یک استثنای مهمی را نسبت به قاعده مصونیت دولت از صلاحیت قضایی که کاملاً جدا از مصونیت است در خصوص توقیف و ضبط اموال دولت می‌باشد که در جزء «ب» بند ۲ ماده ۶ قید گردیده است.

بند الف - اموال غیر منقول

بند الف ماده فوق اموال غیر منقول را بررسی می‌کند و مقید به آن است که اموال غیر منقول در دولت مقر دادگاه باشد. این بند به لحاظ پذیرش عامه کمتر محل نزاع و اختلاف است.^۱ گرچه عبارت حق یا منافع می‌تواند موجب بروز مشکلاتی گردد علت آن است در معنا و مفهوم این عبارات در نظام‌های حقوقی مختلف برداشت‌های متفاوت وجود دارد چیزی که حقوق را در یک نظام تشکیل می‌دهد ممکن است در نظام حقوقی دیگر تشکیل دهنده منافع باشد. بنابراین از ترکیب عبارت حق و منافع استفاده شد تا اشاره به کلیت حق و منافع یک دولت نماید.

بند دوم - تملک اموال بلاعوض

جزء «ب» ماده ۱۳ به حق یا منافع دولت در اموال منقول یا غیر منقول که از ارث، هبه و اموال بلاصاحب ناشی می‌شود، می‌پردازد. با توجه به اینکه اموال غیر منقول از هر حیث تابع قانون محل وقوع خود هستند. چنانچه در یک دعوی مطروحه بر اساس این بند، که شامل اموال منقول و غیر منقول هر دو باشد [اتخاذ تصمیم شود] نیاز به طرح دعوی جداگانه در دادگاه محلی است که اموال غیر منقول در آنجا واقع است می‌باشد که این مطلب در ماده ۹۶۷ قانون مدنی بیان گردیده است. ترکه منقول یا غیر منقول اتباع خارجه که در ایران واقع است، فقط از حیث قوانین اصلی از قبیل: قوانین مربوط به تعیین وراثت و مقدار سهم‌الارث آنها و تشخیص قسمتی که متوفی

می‌توانسته است به موجب وصیت تملیک نماید تابع دولت متبوع متوفی خواهد بود.

بند سوم - نظارت دولت در اموالی که مبنای امانی دارند

هدف از بیان مقررات جزء «ث» لزوماً تعیین حقوق و منافع یک دولت در اموال متنازع فیه نمی‌باشد بلکه بیانگر وضعیت‌های خاصی در برخی از نظام‌های حقوقی بالاخص نظام حقوقی کامن‌لا می‌باشد. جایی که دادگاه برخی صلاحیت‌های نظارتی نسبت به اموالی که مبنای امانی دارند، اعمال می‌کنند. مانند اموال شخص متوفی، شخص محجور یا شرکت در حال تصفیه اعمال چنین نظارتی تبعی است و دادرسی ممکن است در بخشی شامل تعیین یا اثبات حقوق و منافع روش‌های ذی‌نفع از جمله یک دولت خارجی باشد.

بخش پنجم - مالکیت معنوی و صنعتی

بند اول - تعریف و دامنه شمول اموال معنوی و صنعتی

ماده ۱۴ قانون مصونیت قضایی استثنای دیگری را به قاعده مصونیت قضایی دولت بیان می‌کند که دارای اهمیت عملی فزاینده‌ای است. به شاخه تخصصی از حقوق داخلی در زمینه اموال صنعتی و معنوی ارتباط دارد و در واقع از منافع دولت مقر دادگاه در اموال صنعتی و معنوی حمایت می‌کند. اقدامات حمایتی در خصوص این اموال علاوه بر مقررات داخلی گاهی اوقات توسط کنوانسیون‌های بین‌المللی که دولت‌ها را متعهد می‌سازد تقویت می‌شود.

مقررات ماده فوق حد وسط معاملات تجاری مقرر در ماده ۱۰ و مالکیت تملیک و استفاده از اموال در ماده ۱۳ قانون مصونیت قضایی دولت‌ها می‌باشد. هدف این است که خلاقیت و ابتکار در سطح جهان تقویت شود و در عین حال رقابت

منصفانه در تجارت بین‌المللی تضمین گردد. نقض حقوق مربوط به حق انحصاری استفاده از طراحی صنعتی و اختراعات و حق طبع و نشر آثار علمی و ادبی همیشه به لحاظ کسب منافع مالی و تجاری نمی‌باشد. ولی از نقطه نظر تولیدکنندگان که حقوق آنها در تولید و توزیع کالاهای مربوط مورد حمایت قرار گرفته است اثر منفی می‌گذارد. گرچه این‌ها اموال غیرمادی هستند لکن قابلیت به تملک در آمدن و مالکیت بر طبق نظام‌های حقوقی مختلف را دارند. برای اینکه ماده ۱۴ قانون مصونیت قضایی همه اشکال حال و آینده و همه دسته‌ها و انواع اموال صنعتی و معنوی را شامل شود از عبارات و کلمات کلی و نوعی استفاده شد. در واقع در این ماده سه نوع اموال صنعتی و معنوی بیان گردیده که عبارتند از: حق انحصاری طراحی صنعتی که به اموال صنعتی تعلق دارند، علائم و نام‌های تجاری^۲ که بیشتر به دنیای تجارت یا تجارت بین‌الملل و مسائل مربوط به رویه‌های تجاری [مربوطند و]، نهایتاً حق طبع و نشر و انواع دیگر اموال معنوی.

تکمیل عمل ثبت یک حق طبع و نشر است که داوطلبانه وارد نظام حقوقی دولت دیگر می‌شود که این اقدام مبنای حقوقی برای اعمال صلاحیت می‌باشد. کلمه «تعیین» در بند الف ماده ۱۴ نه تنها در معنا و مفهوم اثبات یا تایید وجود حق مورد حمایت در اموال صنعتی و معنوی است، بلکه همچنین به ارزیابی ماهیت که شامل محتوی و قلمرو چنین حقوقی نیز می‌باشد،^۳ [معنا می‌شود]

بند دوم - شرایط اعمال قاعده مربوط به اموال صنعتی و معنوی

چنانچه ادعای نقض حقوق متعلق به شخص ثالث در امور مذکور در بند «الف» شود که آن حقوق مورد حمایت دولت مقر دادگاه باشد. در بند «ب» ماده ۱۴ نحوه رسیدگی به آن بیان شده است. برای اعمال این

اخیر دسته‌بندی مجدد کشتی‌ها نه بر اساس مالکیت، بلکه بر مبنای فعالیت آنها در امور تجاری یا امور غیرتجاری و دولتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این مبنای در کنوانسیون‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۵۸ حقوق دریایا نیز رعایت شد.

کلمات اداره کردن و اداره در بند «۱» ماده ۱۶ قانون مصونیت قضایی هر دو بهره‌برداری و به‌کارگیری کشتی‌ها در حمل کالاها و مسافر از طریق دریا را شامل می‌شود. این عبارت چه بسا همراه با کنترل و اداره کردن یا اجاره یک کشتی برای یک دوره زمانی یا برای یک سفر دریایی باشد.

بند دوم - وضعیت کشتی‌های جنگی

بند ۲ ماده ۱۶ قاعده مصونیت قضایی دولت را همچنان به نفع کشتی‌های جنگی یا امداد دریایی که هرچند ممکن است بعضاً برای حمل کالا و بنا به وضعیت‌های اضطراری و فجایع طبیعی به کار گرفته شوند حفظ می‌کند. این وضعیت برای کشتی‌های دولتی دیگر از قبیل قایق‌های گشتی پلیس، قایق‌های بازرسی گمرک، کشتی‌های اقیانوس‌شناسی، کشتی‌های آموزشی، لایروپ دارای مالکیت یا مدیریت دولتی استفاده شده یا در نظر گرفته شده برای استفاده در خدمات دولتی غیرتجاری حفظ شده است. مشابه این مقررات را می‌توان در ماده ۳ کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۲۶ بروکسل برای یکنواخت کردن مقررات مربوط به مصونیت کشتی‌های با مالکیت دولتی یافت.

بند سوم - حمل کالا به وسیله کشتی‌های دولتی

اگر در خصوص حمل بار از طریق کشتی‌های تحت مالکیت یا اداره دولت که در زمان منشأ بروز دعوی آن کشتی برای اهداف غیرتجاری دولتی مورد استفاده قرار گرفته است، اختلافی حاصل گردد و دادگاه دولت دیگر به نحوی نسبت به آن صلاحیت داشته باشد به مصونیت قضایی نمی‌توان استناد کرد. بند ۴، استثنایی را نسبت به بند ۳ بیان می‌کند. در واقع هدف آن بود که محموله غیرتجاری و دولتی

بعد از جنگ جهانی اول این ضرورت در بین قدرت‌های دریایی آن زمان احساس شد تا کنفرانس بین‌المللی برای انعقاد یک کنوانسیون بین‌المللی در زمینه یکنواخت‌سازی قواعد مربوط به مصونیت کشتی‌های با مالکیت دولت تشکیل شود.

حمل شده با کشتی‌های جنگی و امدادی مذکور در بند ۲ مصونیت قضایی کماکان ادامه پیدا کند.

دولت طرف دعوا می‌تواند به کلیه تدابیر دفاعی، مرور زمان و مسئولیت محدود که در دسترس کشتی‌های خصوصی و باری و مالکین آنها است متوسل شوند و شیوه عملی برای اثبات با ماهیت دولتی و غیرتجاری کشتی تحت ملک یا اداره دولت یا بار تحت تملک یک دولت در بند ۶ ماده ۱۶ بیان شده است. صدور یک گواهی از ناحیه مامور دیپلماتیک دولتی که کشتی یا مجموعه متعلق به اوست یا اینکه چنین گواهی‌ای توسط یک مقام صالح دیگر از قبیل وزیر حمل و نقل یا مامور کنسولی مربوط صادر شود. در رسیدگی به ارزش اثباتی چنین گواهی‌ای باید قواعد آیین دادرسی مدنی

نهاد اداره می‌شود و مکان اصلی فعالیت به معنای مکانی است که بخش اصلی فعالیت نهاد در آنجا صورت می‌گیرد.

با عضویت دولت در یک شرکت یا نهاد جمعی یا کسب سهام آن، مشارکت دولت در آن نهاد آغاز می‌شود. با این عمل، دولت داوطلبانه خود را در یک رابطه سازمان‌یافته که بر اساس آن نظام حقوقی الزام‌آور است قرار می‌دهد. لذا تبعیت دولت از قواعد مقررات دولت مقر دادگاه همراه با رضایت ضمنی است چرا که شرکت یا نهاد جمعی در آن ثبت شده یا در آن سرزمین فعالیت اصلی خود را انجام می‌دهد.

بند دوم - اختیاری بودن قاعده عدم مصونیت قضایی مربوط به شرکت یا نهاد جمعی

اعمال قاعده عدم مصونیت در خصوص مشارکت دولت در شرکت‌ها با نهادهای جمعی دیگر آنگونه که در بند «۱» مقرر شده است منوط به عدم توافق برخلاف آن است. لذا چه بسا ممکن است از یک طرف بین دولت مقر دادگاه که در واقع شرکت یا نهاد جمعی در آن به ثبت رسیده و تشکیل شده یا مقر یا محل اصلی فعالیت شرکت و نهاد جمعی می‌باشد و از طرف دیگر دولتی که علیه آن طرح دعوا شده است و یا اینکه اعضای یک شرکت در روابط خودشان توافق کنند که دولت به عنوان یکی از شرکا کماکان از مصونیت برخوردار باشد و این موضوع را می‌توان در اسناد تاسیس شرکت یا نهاد جمعی پیش‌بینی کرد.

بخش هفتم - کشتی‌های تحت مالکیت یا اداره دولت

بند اول - مبنای اعمال صلاحیت

این استثنا قاعده مصونیت با یکی از مهم‌ترین قلمروهای حقوق دریایی یعنی تجارت خارجی دولت ارتباط دارد. عبارت کشتی در این مفهوم باید در آن معنا مدنظر قرارگیرد که همه انواع کشتی‌های دریایی را شامل شود و عنوان اطلاعاتی به آنها فاقد اهمیت است. این قاعده نیز به مثابه سایر قواعد مذکور

در این قانون به عنوان یک قاعده اختیاری که امکان توافق برخلاف آن وجود دارد بیان گردیده است. چرا که دولت‌ها می‌توانند توافق‌نامه و یا ترتیبات دیگری را منعقد کرده و یا آن را مشروط به عمل متقابل نمایند.

مساله بکارگیری کشتی‌های تحت مالکیت یا اداره دولت در فعالیت‌های عادی تجاری موضوع جدیدی نیست. بعد از جنگ جهانی اول این ضرورت در بین قدرت‌های دریایی آن زمان احساس شد تا کنفرانس بین‌المللی برای انعقاد یک کنوانسیون بین‌المللی در زمینه یکنواخت‌سازی قواعد مربوط به مصونیت کشتی‌های با مالکیت دولت تشکیل شود. حاصل آن کنوانسیون ۱۹۲۶ بروکسل و پروتکل الحاقی آن در سال ۱۹۳۴ بود. هدف اصلی از کنوانسیون

بند وجود دو شرط ضروری است اولاً نقض ادعا شده توسط یک دولت باید در سرزمین دولت مقر دادگاه صورت گرفته باشد. ثانیاً این حق که متعلق به شخص ثالث است باید قانوناً در دولت مقر مورد حمایت قرار گرفته باشد لذا در قلمرو اعمال این ماده محدودیت وجود دارد. حال چنانچه نقض ادعا شده توسط دولت، در سرزمین خودش نه در سرزمین دولت مقر، صورت گرفته باشد مبنای کافی برای اعمال صلاحیت طبق این ماده نمی‌باشد.

بخش ششم - مشارکت در شرکت‌ها و نهادهای جمعی

چنانچه یک دولت، خواننده دعوی باشد که به مشارکت آن در شرکت یا یک نهاد جمعی دیگر مربوط باشد که بر اساس مقررات دولت مقر دادگاه تشکیل شده و یا مقر یا مکان اصلی فعالیت آن در دولت باشد دولت خواننده نمی‌تواند به مصونیت قضایی استناد کند. اگر چنین نهادی به طور کامل تشکیل شده باشد دارای شخصیت حقوقی خواهد بود و اگر روند تشکیل آن هنوز تکمیل نگردیده باشد دارای اهلیت حقوقی محدود خواهد بود.

عبارت شرکت یا نهاد جمعی دیگر خواه روند تشکیل آن کامل شده یا نشده باشد تعدد در ماده ۱۵ استفاده شد تا انواع گسترده نهادهای دارای شخصیت حقوقی، همان‌طور نیز نهادهای فاقد شخصیت حقوقی را شامل شود. ترکیب‌بندی این ماده به گونه‌ای است که [شامل] انواع گوناگون نهادها، مجموعه‌ها و گروه‌ها گردد و اینکه چه عنوان و نامی به آنها اطلاق شود بی‌تأثیر است از قبیل شرکت، انجمن، شراکت و غیره از نهادهای جمعی که ممکن است در نظام‌های حقوقی دیگر درجات مختلف از وضعیت و اهلیت حقوقی را دارا باشند. این نهاد جمعی که دولت با شرکا از بخش خصوصی مشارکت می‌کند ممکن است با هدف و انگیزه انتفاعی باشد از قبیل شرکت‌های تجاری، بنگاه‌های اقتصادی، تجاری و نهادهای تجاری مشابه و یا اینکه دولت در نهادهای جمعی مشارکت می‌کند که هدف آن کسب سود و منفعت نیست و غیرانتفاعی است مانند انجمن‌های علمی، هیات‌های مذهبی یا سازمان‌های بشردوستانه. این موضوع قابل ذکر است که گاه اختلاف در روابط حقوقی بین دولت و نهاد جمعی بروز می‌کند و در برخی موارد دیگر بین شرکا، یعنی دولت و شریک دیگر بخش خصوصی این اختلاف حاصل می‌شود.

بند اول - شرایط اعمال قاعده مربوط به شرکت با نهادهای جمعی

قاعده عدم مصونیت در بند «۱» ماده ۱۵ قانون مصونیت قضایی در صورت وجود دو شرط مهم زیر اعمال می‌شود. اول در آن نهاد جمعی شرکای دیگری غیر از دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی وجود داشته باشد به عبارت دیگر لزوماً شرکا از بخش خصوصی نیز وجود داشته باشند دوم اینکه بر طبق قانون دولت مقر دادگاه ثبت یا تشکیل شده باشد یا مقر یا محل اصلی فعالیت در آن دولت باشد که در اینجا منظور از مقر جایی است که معمولاً از آن مکان شرکت یا

دولت دادگاه رسیدگی کننده در زمینه اثبات دعوا مورد لحاظ قرار گیرد لذا به عنوان یک مدرک اثباتی عادی به آن نگریسته شود نه اینکه به عنوان یک سندی که ارزش سند رسمی را داشته باشد.

بخش هشتم - موافقتنامه داوری

داوری عبارت است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین یا انتصابی و داوری بین المللی عبارت است از اینکه یکی از طرفین در زمان انعقاد موافقتنامه داوری به موجب قوانین ایران، تبعه ایران نباشد.^۱ معمولاً دادگاهی که مقر داوری در آنجا واقع نسبت به اقدامات دیوان صلاحیت نظارتی دارد^۲ این صلاحیت نظارتی طیف وسیعی از جمله اعتبار توافقتنامه داوری، تفسیر، اعتبار شروط و قید داوری و نقض رای داوری را شامل می شود.

مبنای این صلاحیت همانطور که ذکر شد وجود مقر دیوان داوری در دولت مقر دادگاه است که بعضاً طرفین صراحتاً آن را پیش بینی می کنند. این موضوع بعضاً باعث می شود که طرفین برای اینکه مقر دیوان داوری در کشور آنها تشکیل شود اصرار بورزند. البته با عنایت به مبنای داوری که توافق وارده طرفین است آنها می توانند آیین مستقل در خصوص داوری را انتخاب کرده و بدین وسیله مداخله قضایی را منع کنند. زمانی که یک دولت توافقتنامه داوری را منعقد و رضایت خود را نسبت به ارجاع یک موضوع به داوری اعلام دارد. در واقع تعهدات بعدی از جمله مداخله یک دادگاه از باب صلاحیت نظارتی را می پذیرد.

واجد اهمیت است که اشاره

شود که این قانون به توافقتنامه داوری بین یک دولت و شخص حقیقی یا حقوقی خارجی اشاره دارند بین خود و دولت ها، بین دولت ها و سازمان های بین المللی، همچنین انواع داوری که توسط معاهدات بین دولت ها تشکیل می شود و آنها را منظم می کند تا اختلافات خود را با اتباع دولت دیگر حل و فصل کنند. از قبیل کنوانسیون مربوط به حل و فصل اختلاف سرمایه گذاری بین دولت ها و اتباع دول دیگر (واشنگتن ۱۹۵۶) که اینها خود بسته و مستقل هستند و مقرراتی را نیز برای اجرای حکم دارند.

فصل پنجم - مصونیت دولتی در مقابل تدابیر محدودکننده مرتبط با دادرسی نزدیک دادگاه

ماده ۱۸ قانون مصونیت قضایی از تدابیر محدودکننده که در راستای رسیدگی قضایی است، ارتباط دارد. از لحاظ فطری مصونیت از تدابیر محدودکننده مجزا از مصونیت قضایی می باشد که عبارت اخیر صرفاً به مصونیت از رسیدگی قضایی نسبت به دعاوی اشاره دارد.

عملکرد و رویه دولت ها، چندین نظریه در حمایت

از دیدگاهی که مصونیت از اجرا، جدا از مصونیت قضایی می باشد، ارائه نموده است تا زمانی که به ادعای مصونیت قضایی دولت پاسخ منفی داده نشده باشد و رای به نفع خواهان صادر نشده باشد موضوع مصونیت از اجرا مطرح نمی شود. مصونیت از اجرا پایگاه نهایی ادعای مصونیت می باشد. اگر این اصل پذیرفته شود که دولت ها دارای حاکمیت برابر هستند نتیجه منطقی آن است که باید بپذیریم که هیچ دولتی نمی تواند نسبت به دولت دارای حاکمیت دیگر اقتدارات حاکمه خود را با زور و اجبار و از طریق تدابیر محدودکننده اعمال کند. چنین امکانی حتی در دعاوی بین المللی خواه یک مرجع قضایی بین المللی یا دیوان داوری به آن رسیدگی کرده است وجود ندارد. بلکه همچنین توقیف و ضبط را نیز شامل می شود. البته مصادیق مذکور از تدابیر محدودکننده در بند تمثیلی هستند.

کلمه «دولت» در عبارت دادرسی در نزد دادگاه دولت دیگر، به دولتی که اموال در قلمرو آن واقع شده، اشاره دارد. غیر از دولت مقر دادگاهی که دعوی اصلی در قلمرو آن طرح می شود لذا برای اینکه نسبت به اعمال تدابیر محدودکننده تصمیمی اتخاذ شود باید نزد دادگاه دولتی که اموال در قلمرو آن واقع شده اقامه دعوا شود.

البته چنانچه دولت ها طی یک معاهده جداگانه متعهد گردیده باشند که آراء قطعی صادره از دادگاه های دولت دیگر را به مورد اجرا بگذارند نیاز به طرح دعوا جداگانه نمی باشد.

برای اعمال اصل مصونیت باید سه شرط رعایت گردد که وجود حداقل یکی از آنها منجر به عدم مصونیت خواهد بود. الف) چنانچه دولت بر اساس یک موافقتنامه بین المللی یا در یک موافقتنامه داوری یا قرارداد

کتبی یا ارائه بیانه ای به دادگاه یا مکاتبه کتبی از بروز اختلاف بین طرفین به اعمال تدابیر محدودکننده رضایت داده باشد. ب) دولت مربوطه اموالی را جهت ایفاء تعهد مورد ادعا تخصیص یا منحصر نموده باشد که موضوع آن دادرسی است. پ) محرز باشد که اموال توسط دولت مربوط برای اهدافی غیر از اهداف تجاری دولتی مورد استفاده قرار گرفته باشد مشروط بر اینکه تدابیر محدودکننده پس از صدور رای دادگاه، تنها در مقابل اموال مرتبط با واحدی که دعوی علیه آن جریان داشته است قابل اتخاذ می باشد.

عبارت «اتخاذ چنین تدابیری» هم به تدابیر محدودکننده و هم به اموال اشاره دارد. لذا امکان دارد رضایت به طور کلی ابراز شود که هر دو مورد اخیر را در بر گیرد. با این اعلام رضایت صرفاً تدابیر محدودکننده از نوع خاص به عنوان مثال توقیف و تامین خواسته، اجرای حکم را یا اینکه فقط اموال خاص، موضوع رضایت باشد چنانچه اعلام رضایت از طریق توافقتنامه بین المللی یا توافقتنامه های داوری یا قرارداد کتبی باشد. امکان عدول از آنها وجود دارد.

لکن زمانی که این رضایت پس از طرح دعوا و با ارائه بیانه یا مکاتبه کتبی به دادگاه باشد غیرقابل عدول خواهد بود. به عبارت دیگر زمانی که یک دادرسی نزد دادگاه دولت دیگر شروع شود عدول از رضایت مسموع نخواهد بود.

چنانچه در خصوص این مطلب که آیا دولت مربوط اموالی را جهت ایفاء تعهد مورد ادعا تخصیص یا مشخص نموده باشد که خواسته آن دادرسی است ابهام وجود داشته باشد باید توسط دادگاه حل و فصل شود.

بند پ برای هماهنگی با مقررات ماده ۱۶ به جای عبارت اهداف تجاری [غیردولتی] از عبارت «به جز اهداف غیرتجاری دولتی» استفاده کرد و مقررات این بند به گونه ای تنظیم شد که دولت ها تشویق یا تحریک نشود که با سوءاستفاده از آن قادر باشند برای مثال وضعیت اموالشان را تغییر دهند و با این تغییر وضعیت مانع از توقیف یا اجرای حکم شوند.

بخش اول - اثر اعلام رضایت نسبت به صلاحیت اعمال تدابیر محدودکننده

ماده ۲۰ قانون مصونیت قضایی در راستای مطالب مذکور قبلی که مصونیت از صلاحیت قضایی جدا از مصونیت از تدابیر محدودکننده می باشد. چنانچه اعلام رضایت نسبت به تدابیر محدودکننده به موجب مواد ۱۸ و ۱۹ این کنوانسیون ضروری باشد اعلام رضایت نسبت به اعمال صلاحیت به موجب ماده ۷ قانون مصونیت قضایی نباید رضایت ضمنی نسبت به اتخاذ تدابیر محدودکننده باشد. لذا اعلام رضایت جداگانه برای امکان اعمال تدابیر محدودکننده و ضرورت دارد.

بخش دوم - مصونیت از تدابیر محدودکننده نسبت به دسته های خاصی از اموال

هدف از پیش بینی مقررات ماده ۲۱ قانون مصونیت قضایی این است که از دسته های معین و خاصی از اموال حمایت نموده و این تصور را که رضایت ضمنی و مفروض دولت نسبت به اعمال تدابیر محدودکننده در خصوص این اموال وجود دارد از بین ببرد. به عبارت دیگر هدف این است که دسته های از اموال یک دولت باید به عنوان اموال مورد استفاده یا به قصد استفاده از طرف آن دولت برای اهداف غیرتجاری دولتی به موجب بند ب ماده ۱۹ این قانون تلقی شود و موارد مذکور در این ماده تمثیلی است.

آنچه از جزء الف ماده ۲۱ استنباط می شود این است که اموال از قبیل هر حساب بانکی که مورد استفاده یا به قصد استفاده در اجراء وظایف هیات های مذکور در بند الف و در این زمینه مورد بهره برداری قرار گیرد مصون از تدابیر اجرایی است. کلمه نظامی در سیاق جزء ب شامل ارتش، نیروهای هوایی، دریایی را در بر می گیرد.

اموال بانک مرکزی با دیگر نهادهای دولت با توجه به اینکه وظایف و کارکردهای آنان در راستای اقتدارات حاکم یک کشور بوده، لذا در راستای اهداف غیرتجاری دولتی است.

اموالی که بخشی از میراث فرهنگی یک دولت

عملکرد و رویه دولت ها، چندین نظریه در حمایت از دیدگاهی که مصونیت از اجرا، جدا از مصونیت قضایی می باشد، ارائه نموده است تا زمانی که به ادعای مصونیت قضایی دولت پاسخ منفی داده نشده باشد و رای به نفع خواهان صادر نشده باشد موضوع مصونیت از اجرا مطرح نمی شود.

یا بخشی از بایگانی آن دولت باشد و یا اموالی که بخشی از نمایشگاه اشیاء علمی فرهنگی یا تاریخی را تشکیل می‌دهد با این قصد که به فروش گذاشته نشده یا قصدی در زمینه فروش آنها نباشد برای اهداف غیرتجاری دولتی است لذا مفهوم مخالف این مقررات این است که چنانچه برای اهداف تجاری و صنعتی نمایشگاه‌های مزبور ترتیب داده شوند تحت پوشش این بند نمی‌باشند.

زمانی که یک دولت انصراف کلی از مصونیت را اعلام می‌نماید ولی مشخصا به هر یک از دسته‌های خاصی اشاره نمی‌کند چنین انصرافی به معنای مجوزی برای اعمال تدابیر محدودکننده علیه اموال مذکور نخواهد بود.

در این ارتباط قوانین کشورمان نیز اموال متعلق به وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی از توقیف مصون هستند و وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی که درآمد و مخارج آنها در بودجه کل کشور منظور می‌گردد مکلفند وجوه مربوط به محکوم به دولت در مورد احکام قطعی دادگاه‌ها و اوراق لازم‌الاجرا نبی و دفاتر اسناد رسمی یا اجرا دادگاه‌ها و یا سایر مراجع قانونی را با رعایت مقررات از محل اعتبار مربوط به پرداخت تعهدات بودجه مصوب سال‌های قبل منظور در قانون بودجه کل کشور و در صورت عدم وجود اعتبار و عدم امکان تامین از محل‌های قانونی دیگر در بودجه سال بعد خود منظور و پرداخت نمایند. اجراء دادگستری و ادارات ثبت اسناد و املاک و سایر مراجع قانونی دیگر مجاز به توقیف اموال منقول و غیرمنقول وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی که اعتبار و بودجه لازم را جهت پرداخت محکوم به ندارند تا تصویب و ابلاغ بودجه یک سال و نیم بعد از سال صدور حکم نخواهد بود ضمناً دولت از دادن هرگونه تامین در زمان مذکور معاف خواهد بود. در این زمینه مقررات فوق به شرکت‌های دولتی و نهادهای و بنیادها، بانک‌های ملی شده، شرکت مخابرات، نهادهای دولتی مانند بنیاد شهید، هلال احمر، بنیاد مسکن، شرکت پتروشیمی را شامل نمی‌شود.

مقررات خاصی نیز در خصوص اموال متعلق به شهرداری وجود دارد. وجوه اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری‌ها اعم از اینکه در بانک‌ها و یا در تصرف شهرداری یا نزد اشخاص ثالث و به صورت ضمانت‌نامه به نام شهرداری باشد، قبل از صدور حکم قطعی قابل تامین و توقیف نمی‌باشد لکن در صورت عدم اجرای حکم، توقیف اموال امکان دارد.

فصل پنجم - مقررات متفرقه

بخش اول - ابلاغ اوراق قضایی

بر اساس ماده ۲۲ قانون مصونیت قضایی ابلاغ اوراق قضایی به سه طریق واجد اثر قانونی است؛ الف) چنانچه بین دولت مقر دادگاه و دولت ذی‌ربط در این زمینه معاهده لازم‌الاجرای وجود داشته باشد. ب) به شرط عدم مغایرت با مقررات قانونی دولت مقر دادگاه بین خواهان و دولت ذی‌ربط ترتیبات خاصی پیش‌بینی شده باشد. در فقدان چنین معاهده، ترتیباتی با تسلیم به وزارت امور خارجه دولت ذی‌ربط از طریق مجاری دیپلماتیک و با روشی که

مورد پذیرش دولت ذی‌ربط بوده سعی در قانون دولت مقر دادگاه وجود نداشته باشد. آشکار است از میان شیوه‌های ابلاغ اوراق قضایی مقررات معاهدات بین‌المللی الزام‌آور بر دولت‌ها به دو دسته دیگر برتری دارد.

به لحاظ اینکه تاریخ ابلاغ اوراق قضایی برای اهداف عملی دارای اهمیت است تاریخ دریافت اسناد توسط وزارت امور خارجه تاریخ ابلاغ تلقی می‌شود. اگر ضرورت ایجاب کند، باید ترجمه‌ای از این اسناد به زبان رسمی یا یکی از زبان‌های رسمی نیز پیوست گردد.

از آنجا که هدف از ابلاغ اوراق قضایی مطلع نمودن دولت خواننده از طرح دعوا علیه او می‌باشد. لذا هر دولتی که در زمینه ماهیت دعوی که علیه آن اقامه شد حاضر شود نمی‌تواند مدعی عدم ابلاغ شود چرا که با ورود در ماهیت دولت خواننده به طور موثر تصدیق می‌کند که زمان کافی برای آگاهی از اینکه علیه او طرح دعوا شده داشته است.

بخش دوم - حکم غیابی

برای صدور حکم غیابی اولاً باید ابلاغ اوراق قضایی صحیحاً صورت گرفته باشد تا با حداقل چهار ماه از تاریخ ابلاغ سپری شده باشد.

پس از صدور حکم غیابی، باید به زبان رسمی با یکی از زبان‌های رسمی دولت ذی‌ربط ترجمه و پس از آن ابلاغ شود و مهلت تجدیدنظرخواهی از رای صادر شده نیز نباید کمتر از چهار ماه باشد مبادا شروع آن نیز تاریخ ابلاغ رای غیابی می‌باشد مقررات مربوط به ابلاغ اوراق قضایی در ابلاغ رای غیابی نیز الزامی است.

بخش سوم - مزایا و مصونیت‌ها در طی روند دادرسی

دولت‌ها بنا به دلایل امنیتی و با اینکه طبق مقررات داخلی خود از ارائه اسناد و یا افشاء اطلاعات خاصی بر دادگاه منع شده‌اند نباید به لحاظ این اقدام خود مورد مجازات قرار گرفته یا جریمه شوند از طرف دیگر منافع مشروع خواهان نیز نباید نادیده گرفته شود. در این زمینه قانون آیین دادرسی مدنی ایران امتناع مسئول از ارائه سند یا اطلاعات دیگر که مربوط به دعوی است پس از رسیدگی در همان دادگاه رسیدگی‌کننده و احراز تخلف به انفصال از خدمات دولتی از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. که چنین تنبیه و مجازاتی نسبت به دولت خارجی قابل اعمال نخواهد بود. لکن؟؟ پیامدهای نسبت به ماهیت پرونده ممکن است باشد از جمله اینکه عدم ارائه اسناد ممکن است آماره‌ای بر صحت ادعای خواهان باشد.

بند ۲ ماده ۲۴ قانون مصونیت قضایی مقرر داشته که یک دولت ملزم به سپردن هیچ نوع ضمانت یا وجه‌الضمان یا ودیعه یا هر تعبیری جهت تضمین

پرداخت هزینه‌های قضایی یا مخارج دادرسی که آن دولت به عنوان خواهان نزد دولت دیگر مطرح است، نخواهد بود که این موضوع استثنایی است به مبحث پنجم فصل ششم قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد که اتباع خارجی را در صورتی که چه خواهان دعوی اصلی باشند، یا به عنوان شخص ثالث وارد دعوی کردند بنا به درخواست طرف دعوی برای تادیه خسارتی که ممکن است بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله به آن محکوم گردند باید تامین متناسب بسپارند والا دادخواست آنها رد خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- ماده ۸ قانون مدنی مقرر داشته: «اموال غیرمنقول که اتباع خارجه در ایران بر طبق عهد و تملک کرده یا می‌کند از هر جهت تابع قوانین ایران خواهد بود.»
- ۲- برای تعریف علائم تجاری به قانون ثبت علائم و اختراعات مورخه ۱۳۱۰/۴/۱ مراجعه شود که در ماده یک به تعریف علائم پرداخته است و آن را هر قسم علامتی است اعم از نقش، تصویر، رقم، حرف، عبارت مهر، انصاف و غیر آنکه برای امتیاز و تشخیص محصول صنعتی تجارتنی یا؟؟ اختیار می‌شود.
- ۳- به ضمیمه کنوانسیون در خصوص مواد ۱۳ و ۱۴ مراجعه شود.

۴- به ماده یک قانون داورى تجارى بین‌المللى مصوب ۹۹/۷/۲۶ مراجعه شود.

۵- ماده ۶ قانون داورى بین‌المللى مصوب ۱۳۷۶/۷/۲۶ بیان داشته: انجام وظایف مندرج در ماده (۹) بندهای «۳» و «۴» ماده (۱) ماده (۱۳) بند «۱» ماده (۱۴) بند «۳» ماده (۱۶) ماده (۲۳) و ماده (۳۵) به عهده دادگاه عمومی واقع در مرکز استانی است که مقر داورى در آن قرار دارد و تا زمانی که مقر داورى مشخص نشده به عهده دادگاه عمومی تهران است. تصمیمات دادگاه در این موارد قطعی و غیرقابل اعتراض است.

۶- به کنوانسیون شناسایی و اجرا احکام داورى خارجى تنظیم شده در نیویورک مراجعه شود.

۷- قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تامین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵/۸/۱۵

۸- به نظریات مشورتی شوراهای ۷/۱۱۵۹۷ مورخه ۱۳۷۹/۱۲/۸ - ۷/۱۱۳۵۰ مورخه ۱۳۸۰/۲/۱۵، ۷/۱۰۶ مورخه ۱۳۸۰/۱۱/۱۷ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه مراجعه شود.

۹- قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری‌ها مصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴.

۱۰- به ماده ۲۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی مراجعه شود.

۱۱- به ماده ۲۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی مراجعه شود.

۱۲- به ماده ۱۴۷ قانون آیین دادرسی مدنی مراجعه شود.